

آرای پزشکيان: قوميتی يا اعتراضی؟



محمد علی خالق نژاد

فعال سیاسی

انتخابات تیرماه ۱۴۰۳ از بسیاری جهات منحصر به فرد و ویژه بود اما دو جنبه‌ای از آن که برای اغلب کارشناسان سیاسی با هر نگرش وسوگیری سیاسی متفاوت و بحث برانگیز بود، کاهش میزان مشارکت در انتخابات و پیروز شدن نامزد از گرایش فکری نزدیک به اصلاح طلبان بود که علی‌رغم یکپارچگی و هماهنگی نهادها و ارگان‌ها و قوای نظام سیاسی ایران با دولت قبل (دولت سه ساله شهید رئیسی) خودنمایی می‌کرد. برکسی پوشیده نیست که موضوع کاهش مشارکت‌ها ریشه در ناامیدی از تغییرات اقتصادی توسط صندوق رأی دارد. علی‌رغم اینکه در نظرسنجی‌های میدانی می‌توان به این نکته پی برد که اکثریت قاطع مردم ایران موافق انقلاب و دگرگونی از طریق شورش‌های خیابانی یا مداخلات خارجی نیستند و به حفظ جمهوری اسلامی با برخی اصلاحات رغبت و تمایل بیشتری دارند. اما دلایل کاهش مشارکت که دشمنان نظام با خودفریبی جاهلانه و یا شاید فریبکاری عامدانه آن را مخالفت مردم با نظام معرفی می‌کنند، غالباً، انتقال پیام تحول‌خواهی در ابعادسیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران بود تا درخواست انقلاب دیگر! اما موضوع دیگر که جای بحث بسیار دارد پیروزی مسعود پزشکیان که مخالفت خود را با روند سیاستمداری جناح حاکم بر کل ارکان کشور که به صورت یکدست به مدد رد صلاحیت‌ها و ناامیدسازی مردم از تغییر برگ برنده خود را در انتخابات کم رق و با مشارکت پایین (همچون انتخابات مجلس تهران یا انتخابات ریاست جمهوری دوره‌های اخیر) می‌دید، به صراحت اعلام کرده بود. از این رو سه گروه برای پوشاندن برخی حقایق، آرای مسعود پزشکیان را «آرای قومیتی» تحلیل و معرفی کردند که همین خطای تحلیل اگر عامدانه نباشد راه شناخت جامعه پیچیده و متکثر ایران را بر صاحبان این تحلیل غلط خواهد بست. نگاه موشکافانه به سه گروهی که با استناد به تفاوت آرای مسعود پزشکیان در مناطقی مانند آذربایجان و سیستان و بلوچستان و کردستان، نتایج انتخابات را به نفع قوم‌گرایی مصادره می‌کنند، زوایای پیچیده و مبهم انتخابات تیرماه ۱۴۰۳ را آشکارتر خواهد کرد. نخست اینکه، عده‌ای در رسانه‌های معاند مانند ایران اینترنشنال اصرار بر قومیتی خواندن آرای پزشکيان دارند که نیت آن‌ها در تلاش برای کاهش مشارکت و مخالف معرفی کردن مردم را نداده، آشکار است. این گروه برای کم اهمیت جلوه دادن پیروزی پزشکيان و ناامید کردن مردمی که رای داده بودند با شعار «جلیلی و پزشکيان فرقی ندارند، در روزهای پیش از انتخابات وارد میدان شده بودند و تمام تلاش شان این بود که با کاهش مشارکت؛ عدم مشارکت در انتخابات را به پیش‌رزمینه انقلاب از طریق اعتراضات خیابانی تبدیل کنند، در حالی که همین رسانه‌ها چند روز بعد از اعلام نتایج انتخابات، از مستندهایی رونمایی کردند که در آنها به خطرات منطقه‌ای و جهانی «جلیلی» (به قول خودشان) اشاره می‌کردند. اما در ایام انتخابات تمام تلاش خود را کردند تا با گزینش کلمات و جملاتی از گذشته و حال پزشکيان و اطرافیان‌شان نشان دهند که او هیچ فرقی با جلیلی ندارد. طبیعی است که چنین گروه‌هایی در تلاشی گسترده و فاخر برای کاستن از اهمیت آرای پزشکيان آن را منطقه‌ای و قومیتی بخوانند معرفی کنند. دوم، اصولگرایان که با توجه به هفت‌ه‌ه‌ها صدای رسانه‌ای و تبلیغ برای کارآمد بودن و بی‌ظنیر بودن دولت سیزدهم از تمام تزیین‌های موجود اعم از صدا و سیما و بنرهای الصافی نهادها و ارگان‌ها، هر چه در چنته داشتند را روگرد بودند و دولت سیزدهم را به نوعی بهترین دولت تاریخ ایران معرفی کرده بودند پس از اینکه حتی نصف آرای دوره قبل خود را که به صندوق به نام شهید رضایی و محسن رضایی ریخته شده بود نتوانستند کسب کنند برای توجیه این شکست سنگین که محصول عدم رضایت رای‌دهندگان دوره قبل به اصولگرایان نیز بود، به تفاوت آرای پزشکيان در مناطق ترک‌نشین متوسل شدند و اینکه پزشکيان در مناطق ترک نشین آرای بیشتری داشته دستاویز اصولگرایان را کاستن از بار مسوئیت شکست پس از هفته‌ها تبلیغات پرسرو صدای غیررسمی و تبلیغات ایام انتخابات بود. گروه سوم فعالان قومی بودند که به درستی دست روی نازنیاتی‌های اقوام ایرانی که رنگین‌کمان فرهنگ‌ها و زبان هاست از وضع موجود گذاشته بودند و پزشکيان را نمادی حقوق اقلیت‌ها و اقوام می‌دانستند، اما این همه ماجرا نیست! چرا که پزشکيان فقط با رای ترک‌های ایران رئیس جمهور نشده است، بلکه «یک ایران» در انتخابات با حضور و عدم حضور فریادز که از وضع اقتصادی موجود ناخرسند و نگران است. اما برخی از این گروه‌ها آرای پزشکيان را آرای اعتراضی قومیتی محسوب می‌کنند و این همان جایی‌ست که این گروه نیز راه تحلیل را به خطا رفته‌اند هر نتیجه‌ای هم از تحلیل غلط استنتاج کنند نادرست خواهد بود. بالا بودن آرای خاتمی در یزد یا مرحوم هاشمی در کرمان یا شهید رئیسی در خراسان، امری طبیعی است و جامعه‌شناس تیزبین آن را به حساب اعتراض نمی‌نویسد و برای پزشکيان هم همین بود. با توجه به تاکیدات کارزار انتخاباتی مسعود پزشکیان بر رعایت حقوق اقوام و اقلیت‌ها، طبیعی بود که فعالان اقوام و اقلیت‌ها نیز روی خوشی به او نشان دهند ولی قطعاً تجزیه‌طلبان مخالف رأی دادن به پزشکيان بودند و او را در بالاترین مسند امور اجرایی کشور برنمی‌تابند، چرا که پزشکيان علی‌رغم اشاره به نازنیاتی‌های ناشی از تبعیض، فقط یک شعار روشن و صریح و وحدت‌آفرین داشت: «برای ایران».

دکتر بهمن آرمان در گفت وگوبا «آرمان ملی» مطرح کرد:

دولت برای سناریوهای احتمالی

برنامه داشته باشد

جریانی در کشور وجود دارد که اجازه توسعه اقتصادی نمی‌دهد

رای به پزشکيان به معنای اعتراض به وضعیت مدیریت کشور بود

آرمان ملی- احسان انصاری؛ مراسم تنفیذ و تحلیف رئیس‌جمهور در حالی برگزار شد که همگان به این نکته اذعان دارند که پزشکيان در آغاز راهی سخت و دشوار قرار گرفته که با فراز و نشیب‌های زیادی همراه است. ماه عسل دولت که تمام شود مطالبات مردم و چالش‌های پیش‌رو ممکن است شرایطی رای‌ه وجود بیآورد که دولت

◀ مراسم تنفیذ و تحلیف رئیس‌جمهور در حالی برگزار شد که به نظر می‌رسد وی در آغاز راهی سخت و دشوار قرار دارد. مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی دولت چهاردهم را چه می‌دانید؟

آقای پزشکيان در انتخاباتی به پیروزی دست پیدا کردند که کمترین میزان مشارکت را طی ادوار مختلف انتخابات داشته و خود ایشان نیز نسبت به این نکته واقف هستند. در چنین شرایطی مردم ایران منتظر تغییر و تحولات جدی در مدیریت کشور هستند. البته اختیارات رئیس‌جمهور در ایران به دلایل مختلف محدود است. این وضعیت به خصوص در زمینه سیاست خارجی و سیاست‌های دفاعی پررنگ است. از سوی دیگر برخی جریان‌های سیاسی که سابقه چند دهه‌ای در فضای سیاسی ایران دارند به دنبال این هستند که همواره سهمی در ساختار قدرت داشته باشند. با توجه به استقبال کم مردم از انتخابات به خصوص در دور اول اینکه چنین گروه‌هایی به دنبال سهم خواهی از قدرت باشند نمی‌تواند انتظار قابل قبولی باشد. جریان‌هایی که اقتصاد کشور را در سال‌های گذشته در اختیار داشته‌اند به شکلی عمل کرده‌اند که اگر بخواهیم در شرایط کنونی اقتصاد ایران را با رقیب اصلی منطقه‌ای یعنی ترکیه و عربستان مقایسه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که ما در رقابت با قدرت‌های دیگر منطقه عقب مانده‌ایم و نتوانسته‌ایم به اهداف خود دست پیدا کنیم. در شرایط کنونی اقتصاد ایران در حدود یک چهارم اقتصاد ترکیه و یک هشتم اقتصاد عربستان سعودی است. به همین دلیل نیز مردم در انتخابات اخیر با عدم مشارکت بالا در دور اول و رأی ندادن به جلیلی به عنوان نماینده این جریان این پیام را به حاکمیت رساندند که به این شیوه مدیریت کشور انتقاد دارند.

◀ مهم‌ترین اولویت کنونی کشور مسائل اقتصادی است. پزشکيان برای تشکیل تیم اقتصادی خود چه رویکردی باید در پیش بگیرد و چه اولویت‌های اقتصادی را باید در دستور کار قرار بدهد؟

تیم اقتصادی یک دولت شامل وزرای اقتصاد، نیرو، صمت، نفت، راه و شهرسازی، کار و رفاه اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و... می‌شود. در این نکته که تیم اقتصادی موجود باید تغییر کند هیچ تردیدی وجود دارد چرا که تیم اقتصادی دولت سیزدهم از تجربه و تخصص کافی برخوردار نبود. به همین دلیل آقای پزشکيان باید از افراد باتجربه و متخصص در زمینه‌های اقتصادی در تیم اقتصادی خود استفاده کند که از انگیزه کافی برای تحول در وضعیت اقتصاد کشور برخوردار باشند. در ایام انتخابات و پس از آن آقای طبیب نیا در کنار آقای پزشکيان بود و به همین دلیل به احتمال زیاد مدیریت و رهبری تیم اقتصادی دولت آینده برعهده آقای طبیب نیا خواهد بود. آقای طبیب نیا فرد تحصیل کرده، با دانش و پاک‌دستی هستند که از تجربه و تخصص کافی برای مدیریت تیم اقتصادی دولت برخوردار هستند. ویژگی‌های ایشان به شکلی است که در شرایط کنونی در کمتر کسی وجود دارد. از نظر اشراف آقای طبیب نیا به مسائل اقتصادی شاید بتوان ایشان را با مرحوم نوربخش و یا آقای مظاهری مقایسه کرد. در دوران این افراد اقتصاد ایران که در شرایط بدی قرار داشت نوعی ثبات از خود نشان داد و روند به‌روشدی پیدا کرد. در اینکه آقای طب‌نیا از شایستگی‌های لازم برای مدیریت تیم اقتصادی



در شرایطی قرار بگیرد که در کمتر دولتی وجود داشته است. این در حالی است که نتیجه انتخابات آمریکا نیز بر روند دولت چهاردهم در ایران اثرگذار خواهد بود. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این مسائل با دکتر بهمن آرمان، اقتصاددان گفت‌وگو کرده که در ادامه حاصل این گفت‌وگورا می‌خوانید.

کرده و سابقه وزارت و چندین دوره نمایندگی مجلس دارد به خوبی به این نکته آگاهی دارد که کشور را نمی‌توان در شرایط تحریم به سوی توسعه اقتصادی هدایت کرد. رهبر انقلاب در یکی از سخنرانی‌های اخیر خود پس از انتخابات به اظهارات آقای پزشکيان درباره لغو تحریم‌ها اشاره کرده و عنوان کردند که ما نبودیم که از برجام خارج شدیم و بلکه این آمریکا بود که از برجام خارج شد. من فکر می‌کنم این یک چارچ‌سبز به آقای پزشکيان بود. روسیه هیچ‌گاه دیدگاه مثبتی نسبت به توسعه اقتصادی و سیاسی ایران نداشته و همزونی خود را در خطر می‌بیند. در شرایط کنونی در حدود سه ماه تا برگزاری انتخابات آمریکا زمان وجود دارد که ممکن است در این مدت اتفاقات زیادی رخ بدهد. به همین دلیل نمی‌تواند از هم اکنون شانس ترامپ را بیشتر از بقیه دانست. هر چند من معتقدم دولت پزشکيان باید برای همه سناریوهای احتمالی برنامه داشته باشد.

◀ مهم‌ترین اولویت‌های اقتصادی دولت پزشکيان چه باید باشد؟

آن چیزی که اقتصاد ایران را در دهه‌های اخیر رنج می‌دهد سوء مدیریت، ضعف مدیریت، رانت گسترده و وجود افراد نفوذی در مراکز تصمیم‌گیری است. به همین دلیل نیز مردم در صورتی به آینده امیدوار خواهند شد که راهکارهای عملی برای مشکلات خود مشاهده کنند و رئیس‌جمهور نیز باید برای مشکلات کشور راهکار عملی بدهد و از دادن شعار و وعده‌هایی که به هیچ عنوان امکان تحقق ندارد پرهیز کند. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان نسبت به آینده خوش بین بود وگرنه وضعیت همچنان به همین صورت و با مشکلات و چالش‌های بزرگ ادامه پیدا خواهد کرد. نکته مهم اینکه اینکه چه کسی در ایران به ریاست جمهوری برسد یک موضوع است اما موضوع دیگر این است که قدرت‌های جهانی هنوز درباره ایران به توافق کلی نرسیده‌اند. این در حالی است که ایران می‌تواند به عنوان قدرتمندترین کشور خاورمیانه شناخته شود. کشورهایی مانند ترکیه و عربستان در منطقه خاورمیانه رقیب ایران هستند و به همین دلیل مخالف این هستند که در کشور توسعه اقتصادی رخ بدهد. به همین دلیل این کشورها در کنار قدرت‌های جهانی بر ادامه تحریم‌های ایران قرار دارند. در شرایط کنونی یک جریان قدرتمند ضد توسعه و ضد واردات در کشور وجود دارد که در راستای اهداف این کشورها حرکت می‌کند و عده‌ای در داخل کشور به دنبال این هستند که در کشور توسعه اقتصادی صورت نگیرد. این عده با آگاهی یا بدون آگاهی با کشورهای خارجی که مخالف قدرتمند شدن ایران هستند همراه و همگام هستند. به همین دلیل نیز ایران را در دهه‌های گذشته در وضعیت تنش دائمی قرار داده‌اند. واقعیت این است که یک کشور قادر نیست برای مدت طولانی فشارهایی را تحمل کند که در شرایط عادی کمتر کشوری می‌تواند آنها را تحمل کند. بالا رفتن نرخ بیکاری، کوچک‌تر شدن سفره مردم، افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق و اعتیاد از جمله مسائلی هستند که حدی قابل تحمل هستند در زمینه تحریم‌ها نیز باید این نکته را در نظر گرفت که مسأله تحریم‌ها در اختیار ایران و کشورهای اروپایی نیست و بلکه این امریکاست که در این زمینه قدرت تعیین‌کنندگی دارد. ما فرض را بر این می‌گذاریم که تحریم‌ها در آینده نیز ادامه پیدا کند. با این وجود تحریم‌ها به تنهایی در ساختار اقتصادی ایران نقش تعیین‌کننده‌ای ندارند.

برخوردار است تردیدی وجود ندارد اما اینکه همکاران ایشان در دولت چه کسانی خواهند بود نیازمند بررسی و تأمل بیشتری است. به هر حال با توجه به شرایط موجود باید کسانی در کنار آقای طبیب نیا قرار داشته باشند که از توانایی‌های کافی برخوردار باشند.

◀ شعار اصلی آقای پزشکيان لغو تحریم‌ها برای بهبود وضعیت اقتصاد کشور است. در شرایطی که احتمال پیروزی ترامپ در انتخابات آمریکا وجود دارد پزشکيان چگونه می‌تواند به سمت لغو تحریم‌ها حرکت کند؟

در اقتصادی که ۹ ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با تسخیر سفارت آمریکا در تهران تا به امروز با تحریم مواجه بوده امکان رشد اقتصادی غیرممکن است. در واقع هیچ کشوری در شرایط تحریم به رشد اقتصادی دست پیدا نمی‌کند. به همین دلیل نیز به جز دوران سازندگی که فعالیت‌های اقتصادی کشور در اوج قرار داشت دیگر ما نتوانسته‌ایم دوره رشد اقتصادی را تجربه کنیم. در حدود ۱۲ سال است که میزان تشکیل سرمایه ناخالص داخلی نه تنها مثبت نبوده و بلکه منفی نیز بوده است. اگر رشدی نیز در این زمینه وجود داشته بسیار پایین بوده است. آقای پزشکيان نیز که سال‌هاست در فضای سیاسی ایران فعالیت

ایران می‌تواند به عنوان قدرتمندترین کشور خاورمیانه شناخته شود. کشورهایی مانند ترکیه و عربستان در منطقه خاورمیانه رقیب ایران هستند و به همین دلیل مخالف این هستند که در کشور توسعه اقتصادی رخ بدهد. به همین دلیل این کشورها در کنار قدرت‌های جهانی بر ادامه تحریم‌های ایران قرار دارند. در شرایط کنونی یک جریان قدرتمند ضد توسعه و ضد واردات در کشور وجود دارد که در راستای اهداف این کشورها حرکت می‌کند

عراق؛ میدان رویارویی تهران و واشنگتن

همزمان با حمله هفتم اکبر حماس به اسرائیل و آغاز جنگ در غزه چرخه خطرناکی از تشدید تنش در سراسر خاورمیانه آغاز شده است. ایران و محور مقاومت –جریان‌هایی چون انصار الله در یمن، حزب‌ا... لبنان و گروه‌های عراقی– مواضع اسرائیل و آمریکا را در سراسر منطقه هدف حملاتشان قرار داده‌اند. این وضعیت منطقه را در آستانه جنگی تمام عیار قرار داد به‌ویژه پس از رویارویی بی‌سابقه ایران و اسرائیل و شهادت اسماعیل هنیه.

◀ عراق در کشاکش رویارویی تهران، واشنگتن

دولت عراق بار دیگر خود را بین یک قدرت منطقه‌ای و یک قدرت جهانی درگیر می‌بیند. کش‌ها و واکنش‌های میان محور مقاومت عراق و واشنگتن، بغداد را در معرض خطر تشدید درگیری‌ها قرار داده است. به ادعای ناظران چنین شرایطی برای عراق سخت خواهد بود. تا ۱۷ اکتبر، عراقی‌ها سرانجام پس از دهه‌ها ناآرامی، احساس عادی بودن و امنیت را تجربه کردند. نگرانی‌های داخلی از موضوعات وجودی مانند تروریسم، اشغالگری و جدایی طلبی جای خود را به موضوعات کمتر خشونت‌آمیز مانند تغییرات آب و هوایی، فساد و بیکاری داد. عراق میزبانی کنفرانس‌های بین‌المللی برجسته‌ای را آغاز کرد و به دنبال تثبیت نقش خود به عنوان تسهیل‌کننده بی‌طرف برای ایجاد ثبات در گفت‌وگوهای خاورمیانه‌ای بود –کاری که از سال ۲۰۱۲ در تلاش بود انجام دهد. واضح است که دولت عراق نمی‌خواهد به میدان رویارویی با آمریکا تبدیل شود.

اما مردمان این کشور به طور پوسسته از آرمان فلسطین حمایت کرده و به شدت با اقدامات اسرائیل در غزه مخالفت می‌کنند. این چالش‌های مهمی را برای دولت عراق در تنظیم واکنش خود به محور مقاومت در داخل و حمایت ایالات متحده از جنگ اسرائیل در خارج ایجاد می‌کند. مواضع دیرینه عراق در قبال فلسطین با ایران همسو است، با این همه موضع‌گیری محور مقاومت در برابر اسرائیل، عراق را در برابر آمریکا در شرایط سختی قرار داده و نیروهای آمریکایی را به انتقام دعوت می‌کند. برخی از احزاب سیاسی عراق که رابطه نزدیکی با ایران دارند، دولت بغداد را برای خروج نیروهای آمریکایی تحت فشار قرار داده‌اند. این در حالی است که محمد شیاع السوداني، نخست وزیر عراق برای توجیه حضور آمریکایی‌ها در این کشور به مقوله امنیت متوسل می‌شود. گروهی از ناظران از افزایش نفوذ ایران در عراق می‌گویند؛ گزاره‌ای که ریشه آن به حمله ۲۰۰۳ آمریکا به عراق و پایان رژیم بعث در این کشور بازمی‌گردد. همزمان لغو تحریم‌های جهانی علیه عراق پس از سال ۲۰۰۳ نیز فرصت‌های اقتصادی را برای ایران ایجاد کرد تا کالاهای خود را به بازار رقابتی این کشور صادر کند. نقش برجسته تهران در عراق –به ویژه در حوزه امنیتی– همچنان قوی است. اما طی ۲۰ سال گذشته، دولت‌های عراق به بلوغ سیاسی دست یافته‌اند و همزمان موقعیت بغداد به عنوان دروازه اقتصادی برای ایران و نقش آن به عنوان میانجی بین ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس، اهرم این بازیگر را به‌ویژه در دوران سودانی و مصطفی الکاظمی، بیشتر کرده است.

◀ عبور عراق از فصل تنش

نقش عراق به عنوان بستری برای رویارویی‌های ایران و آمریکا، حداقل به سه دهه قبل از جنگ غزه بازمی‌گردد. بغداد اغلب خود را در تلاقی این رقابت می‌بیند؛ از رقابت بر سر نفوذ سیاسی و اقتصادی گرفته تا رویارویی مستقیم نظامی. ایالات متحده از عراق در جنگ طولانی این کشور با ایران از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ حمایت کرد. در حالی که حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ آمریکا را در نزدیکی فرایند با مرزهای ایران قرار داد. امروز ۲۵۰۰ نیروی آمریکایی در عراق باقی مانده‌اند؛ گزاره‌ای که مورد قبول محور مقاومت نیست. مدت کوتاهی پس از روی کار آمدن سودانی در اکتبر ۲۰۲۲، تقابل میان طرفین تا حدودی کاهش یافت. قبل از ۱۷ اکتبر، آخرین تبادل آتش میان محور مقاومت و نیروهای امنیتی آمریکا در مارس ۲۰۲۲ بود.

ویتنام شمالی نیز نگرانی‌های مشابهی را ابراز کردند و در سال ۱۹۶۷ به سفیر نروژ در پکن گفتند که هر زمان هائوی علاقه‌ای به مذاکرات نشان می‌دهد، ایالات متحده حملات جدیدی را آغاز می‌کند. در نتیجه، مذاکرات صلح تا سال ۱۹۶۸ آغاز نشد، زیرا هر دو طرف احساس کردند که قدرت خود را از طریق عملیات مربوطه نشان داده‌اند.

◀ اعتما؛ حلقه مفقوده

مطمئناً واقعیت میدان نبرد می‌تواند فضا را برای مذاکره باز کند؛ موضوعی که به راه انداختن جنگ قدرت هر یک از طرفین و همچنین تمایل‌شان به جذب هزینه‌ها برای حل و فصل اختلافات بر اساس شرایط مطلوب را آشکار می‌کند. اطلاعات جدید از جنگ به همه طرف‌ها کمک می‌کند تا انتظارات خود را تعدیل کرده تا بتوانند به درک مشترکی از مسیر جنگ دست یابند. واقعیت‌های پایدار میدان نبرد که به طور غیرقابل انکار و به‌طور مداوم به نفع یک طرف است، روشن‌ترین مسیر را برای مذاکرات فراهم می‌کند. این حقیقتی است که در جنگ روسیه و ژاپن ۱۹۰۴–۱۹۰۴ خود را نشان داد. قبل از اینکه ژاپن جنگ را کلید بزند، کمتر کسی انتظار داشت که روسیه را به طور قاطع در میدان نبرد شکست دهد. با این حال این دقیقاً همان چیزی است که اتفاق افتاده است.

می‌یابند و به اختلاف پایان می‌دهند. در این میانه، طرفین ممکن است گزینه‌های محدودتری را برای مصالحه شناسایی و بدین طریق طیف وسیع تری از اختلاف‌ها باقی بمانند. از سوی دیگر، بازیگران نمی‌توانند نقطه مشترکی پیدا کرده و اختلاف به گونه‌ای می‌یابد که گویی چیزی تغییر نکرده است. در میان همه این احتمالات، مذاکره به عنوان یک فعالیت بدون هزینه در نظر گرفته می‌شود که با وضعیت را بهبود می‌بخشد یا در بدترین حالت، وضعیت موجود را تغییر نمی‌دهد. اما مذاکره می‌تواند هزینه‌هایی داشته باشد. یکی از این موارد این است که رهبران غالباً نگران هستند که تمایل به مذاکره به عنوان نشانه‌ای از ضعف، کاهش عزم، یا علاقه برای صلح تعبیر شود. چنین تعبیری می‌تواند روحیه را در داخل تضعیف یا دشمن را برای مبارزه شدیدتر تحریک کند، زیرا باور این است که پیروزی با حداقل دستاوردهای بیشتر در دسترس است. این ترس در سال ۱۹۶۵ توسط رئیس سابق ستاد مشترک ارتش آمریکا و ماکسول تیلور سفیر سپس در ویتنام جنوبی بیان شد. او به واشنگتن در مورد اقدامات دیپلماتیک برای ویتنام شمالی هشدار داد و گفت «تاکید برای باگذشت به میز مذاکره ممکن است باعث افزایش تلاش‌های (ویت‌کنگ] شود که برای دستیابی به حداکثر مزیت تقلادار، بالاخص آن که هائوی و یکن ممکن است اشتیاق ما را به عنوان نشانه‌ای از ضعف تفسیر کنند». مقامات

باخت پرهزینه بایدن

معمای بن بست در غزه

◀ چرایی بی نتیجه ماندن رایزنی‌ها برای صلح؟

سابقه تاریخی نشان می‌دهد که مداخلات دیپلماتیک اغلب پیامدهای بسیار منفی دارد. قدرت‌های خارجی تقریباً نتوانسته‌اند آتش بس‌های پایدار را بدون حمایت متخاصم اعمال کنند و شاید موضوع نگران‌کننده‌تر آن است که تلاش‌های خارجی برای تسهیل دیپلماسی می‌تواند به جای برقراری صلح، جنگ‌ها را تشدید کند. این احتمال ناخوشایند وجود دارد که توسل بر دیپلماسی فارغ از قوت‌مده میدان جنگ، می‌تواند محرک تشدید کننده تنش‌ها باشد. ایالات متحده و متحدانش باید به جای تحمیل رایزنی‌ها، حماس و اسرائیل را برای تغییر رفتار خود تحت فشار قرار دهند. بسیاری از چهره‌های دانشگاهی برجسته، از جمله رابرت باول و برانیسلاو اسلانتچف، مذاکرات در جریان درگیری را فرآیندی می‌دانند که می‌تواند طیفی از نتایج را ایجاد کند. از یک سو، طرف‌ها به یک توافق قابل قبول دو جانبه دست

۳۱ مه، جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، پیشنهادی سه مرحله‌ای برای پایان دادن به جنگ در نوار غزه را اعلام کرد. او ابتدا خواستار آتش بس موقت شد که به عقب‌نشینی نسبی نیروهای اسرائیلی، تبادل محدود اسرا و ارسال کمک‌ها متمرکز بود. سپس مذاکرات آغاز و در صورت موفقیت، به مرحله دوم منتهی می‌شود که شامل توقف دائمی تنش‌ها، عقب‌نشینی کامل و مبادله کامل اسرا می‌شود. در مرحله نهایی، تلاش‌ها برای بازسازی غزه و تبادل بقایای اسرای اسرائیلی کلید خواهد خورد. به رغم هیا‌هویی غزه و تبادل بقایای اسرای اسرائیلی، این پیشنهاد تنها یکی از پیشنهادهایی بود که از زمان شروع جنگ ارائه شده است. در واقع، اسرائیل و حماس بیشتر طرح‌های مشابه مصر و قطر را رد کرده بودند. اما اقدامات تروریستی جدید اسرائیل طرح بایدن نیز مانند دیگر پیشنهادها، شکست خورده است.